

پوتین ، پتر ثانی



فتح اله دهقان، دانش آموخته ی جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

کسی که بر گذشته مسلط است، آینده را در دست دارد،

کسی که زمان حال را در دست دارد، بر گذشته مسلط است.

”جورج اورول 1984“

تاریخ پانصد ساله همسایگی ایران و روسیه به ویژه در دو بیست سال اخیر حکایت از آن دارد که به هنگام سستی نظام سیاسی ایران، روس ها به سادگی از مسائل ایران سوء استفاده کرده و در زمان فتور خویش، به همکاری گرایش یافته اند و نکته ای بس گران در تاریخ روابط دو کشور نهفته که یاد آوریش خالی از لطف نیست و آن اینکه، هر گاه منافع روسیه اقتضاء می کرده، سن پترزبورگ یا مسکو در همکاری با دول غرب به زیان تهران، تردیدی به خود راه نداده اند. در تاریخ جهان و کشورها همواره هستند، رهبران و حاکمانی که مردم آن کشورها برای آن ها احترام خاصی قائل بوده و سیاستمداران آن کشورها، سیاست های تزسیمی آنان را به عنوان چراغ راهی برای آینده خود می دانند. پتر کبیر یکی از این رهبران می باشد. پوتین که مرد قدرتمند روسیه لقب گرفته به دنبال احیاء مجدد جایگاه روسیه، با المگوگیری از پتر برآمده است. بن بودا روزنامه نگاری که زندگی نامه پوتین را به رشته تحریر در آورده در کتاب (امپراطوری شکننده، ماجرای عشق و جدایی روسیه و پوتین) می گوید: «شخصیت مورد علاقه پوتین، پتر کبیر است». از آنجائیکه ایران همواره جایگاه خاصی برای روسیه داشته به طوری که گفته اند پتر کبیر در بند 9 وصیت نامه اش، اهدافی را که باید پس از او پیگیری شود چنین تعیین کرده است: « نزدیک شدن هر چه بیشتر به قسطنطنیه و هند، زیرا کسی که این منطقه را در دست داشته باشد مالک تمام جهان خواهد بود؛ پس، برای رسیدن به این مقصود - نه فقط در ترکیه، بلکه همچنین در ایران - باید به جنگ های دائمی دامن زد، تاسیس کارگاههای کشتی سازی در اطراف دریای سیاه، تصرف تدریجی این دریا که مانند دریای بالتیک برای اجرای طرحهای مالزوم قطعی دارد، نفوذ تا خلیج فارس با تضعیف ایران، در صورت امکان، برقراری مجدد روابط تجاری سابق با مشرق زمین و پس از آن پیشروی تا هندوستان، که انبار گنجینه های جهان است، زیرا پس از دستیابی به آن جا، دیگر به طلای انگلیس احتیاجی نخواهیم داشت». روابط ایران و روسیه در طول تاریخ متأثر از این اصل و سیاست های روسیه در خصوص ایران نیز در این راستا بوده سیاست مداران و دولتمردان روسیه سعی و تلاش زیادی برای تحقق آن کرده، به عنوان مثال یکی از نویسندگان بلشویک به نام تروپاتوفسکی به موقعیت ایران از بعد فرهنگی و ایدئولوژیکی اهمیت داد و تصرف آن را برای پیشرفت بلشوسیم ضروری شمرد، وی در سال 1918 نوشت:

« اهمیت ایران در ایجاد انترنا سیونال شرقی بسیار شایان توجه است... ایران دری است که برای برتری یافتن بر دروازه انقلاب شرق، یعنی هندوستان، باید از آن عبور کرد؛ ما باید انقلاب بلشویکی را در ایران برانگیزانیم... . قیام بلشویکی ایران نشانه یک رشته انقلاب هایی خواهد بود، که در سراسر آسیا و قسمتی از آفریقا منتشر خواهد شد، انقلاب ایران کلید تمامی شرق است....

ایران کانال سوئز انقلاب است و ایران برای توفیق انقلاب شرق نخستین کشوری است که باید توسط شوروی ها تسخیر شود». حوادث و رویدادهایی همچون قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای، قرارداد 1907، دخالت روس ها در انقلاب مشروطه، به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر که نهایتاً منجر به شکست مشروطه شد، رویدادی که به اعتقاد بسیاری از سیاستمداران اگر به نتیجه می رسید، می توانست زمینه توسعه و پیشرفت ایران را فراهم نماید. حمله به حرم مطهر امام رضا(ع)، اشغال ایران در جنگ اول و دوم جهانی علیرغم اعلام بی طرفی ایران و ایجاد جمهوری های خود مختار آذربایجان و کردستان به دستور مستقیم استالین که می رفت کیان ایران را بر باد دهد، خیانت به جنبش ملی شدن صنعت نفت توسط عوامل داخلی خود همچون حزب توده و تحویل 23 تن طلای ایران به کودتاگران، حمایت همه جانبه از صدام در تجاوز هشت ساله به ایران، تاخیر در ساخت نیروگاه بوشهر و تحویل موشکهای اس 300، موضع گیری در خصوص مسائل خاورمیانه و مسائل اخیر سوریه و ... همه حکایت از آن دارد که روس ها به دنبال منافع خود بوده به راحتی

دوستان خود را فدا نموده و قابل اعتماد نمی باشند. لذا به حاکمان، تصمیم سازان، دولتمردان و سیاستمداران توصیه می شود بیش از این به روس ها اعتماد نکنید. تا دیر نشده و قبل از رسیدن به مرحله برگشت ناپذیر در سیاست خود تجدید نظر نمایند، سیاست مداران و دیپلمات های کشورمان در معادلات منطقه ای و جهانی و در مذاکرات آتی با غرب و دیگران بر روی روسیه حساب نکنند. فقط ذکاوت دست اندرکاران و تشخیص به موقع منافع ملی که همواره سیلان دارد و با متغیر های تازه به تازه تغییر می کند، را می طلبد تا پتر، به نیات خود دست نیازد !!! امید است مفید واقع شود.